نگاه

نگاه اشتوتگارت به فصل جدید

تردیدهای «فه»

ترجمه : علی بوذری

آثار جام‌جهانی در اشتوتگارت کماکان دیده می‌شود. آنچه در طول فصل اتفاق خواهد افتاد را می‌شد در اردوی آماده‌سازی «اوتستال» اتریش و در حین یک قایق‌سواری تفریحی به عینه در تیم اشتوتگارت دید. شش قایق بادی که از تدارکات گرفته تا سرمربی همه بر آن سوار بودند.

همه با هم در آب‌های خروشان، باهم در حال تلاش و مقاومت در برابر سختی‌ها. پیش از شروع فصلی که اصلاً مشخص نیست چگونه پیش خواهد رفت. توقعاتی که تا به حال همواره بر این بوده که در پایان فصل، تیم راهی لیگ قهرمانان اروپا یا لااقل مسابقات یوفا شود، می‌بایست در این فصل تا حد ممکن پایین آورده شود.

«اروین اشتوات» مدیرعامل تیم می‌گوید: «ما اصلاً تمایل نداریم که با حرف‌های خودمان توقعات از تیم را بالا ببریم.» و رتبه‌ای را که برای باشگاه در پایان فصل هدف به حساب می‌آید را نیز بیان نمی‌کند ولی در عین حال نمی‌خواهد انکار کند که: «هدف ما رسیدن به میانه‌های جدول نیست بلکه ما می‌خواهیم فصل بعد در مسابقات بین‌المللی نیز حضور داشته باشیم.»

فصل جدید بوندس‌لیگا آزمون بسیار مهمی برای هورست هلدت و آرمین فِه به حساب می‌آید. پس از شش ماه انتظار بر روی صندلی سرپرستی تیمی که او در سال‌های نه چندان دور بازیکن محوری این تیم به حساب می‌آمده و همچنین برای مربی‌ای که توسط وی به این تیم آورده شد دوره سخت آزمون آغاز خواهد شد. مدیرعامل تیم در خصوص اینکه گفته می‌شود قرارداد آرمین فه فقط در صورتی برای سال دوم تمدید خواهد شد که تیم او حداقل بتواند در پایان فصل به مسابقات یوفا راه پیدا کند می‌گوید: «در این خصوص هنوز هیچ‌گونه تصمیمی نگرفته‌ایم.»

مربی تیم اما از آمادگی غیر قابل انتظار جوان تازه‌وارد و ۱۹ ساله اشتوتگارت، یعنی «سردار تاسکی» و همچنین مارکوس بابل ۳۳ ساله باتجربه در اردوهای آماده‌سازی شگفت‌زده شده است. با این حساب فِه اکنون در خط دفاعی خود با تعداد زیادی از بازیکنانِ آماده‌ای روبه‌رو شده که انتظار آن را نداشته است. اوسوریو و بک، هر دو در سمت راست، دلپیری و فرناندو میرا در دفاع میانی، ماگنین و هیتسلسبرگر در سمت چپ و همچنین تاسکی و بابل که هر دو دفاع میانی بازی می‌کنند در کنار گربر و زیوکوویچ که دیگر کسی از آنها سراغی نمی‌گیرد آماده بازی کردن هستند.

در بازی تدارکاتی در برابر المپیاکوس پیرئوس که با نتیجه یک بر صفر برای اشتوتگارت به پایان رسید، بابل در دفاع میانی در کنار دلپیری بازی کرد و فرناندو میرا که قرار بود به عنوان فرمانده خط دفاعی در اشتوتگارت به کار گرفته شود در پست هافبک دفاعی بازی کرد. بازیکن اسبق تیم ملی آلمان در این خصوص می‌گوید: «من فقط آنچه در توان دارم به مربی نشان می‌دهم.» حضور و اثرگذاری او در بین اعضای تیم به عنوان بازیکنی باتجربه و کمک او به بازیکنان جوان تیم از همه طرف و به خصوص از طرف هورست هلدت سرپرست تیم مورد استقبال قرار گرفته است. او در این خصوص می‌گوید: مارکوس با تجربه خود جایگاه بسیار ویژه‌ای در تیم دارد، لذا هیچ‌گاه نباید او را دست کم گرفت. ولی خود بابل بسیار آسوده‌خاطر به وضعیت کنونی‌اش نگاه می‌کند: «من کاملاً آسوده هستم. چه بازی کنم و چه بر روی نیمکت بنشینم. البته هنگامی که فشار بر روی او زیاد شود به توانایی‌هایش کاملاً اطمینان دارد و می‌گوید: «یقیناً فشار بر روی تمام تیم زیاد خواهد بود و آن وقت است که خواهیم دید بازیکنان، مدیریت، سرپرست و مربی با این فشارها چگونه کنار خواهند آمد.»

خبرها

رابسون در بیمارستان

بابی رابسون مربی سابق تیم ملی انگلیس و مالک باشگاه ایپسویچ ده دقیقه قبل از دیدار ایپسویچ مقابل کریستال پالاس در دسته دوم لیگ انگلیس به دلیل مشکلات تنفسی راهی بیمارستان شد. رابسون ۷۳ساله قبل از آغاز این دیدار که به شکست دو بر یک ایپسویچ انجامید داخل زمین چمن ورزشگاه خانگی تیمش آمد

تا به ابراز احساسات تماشاگران پاسخ دهد. رابسون پیش از آنکه در سال ۱۹۸۲ هدایت تیم ملی انگلیس را به عهده بگیرد به مدت ۱۳ سال مربیگری ایپسویچ را به عهده داشت.

کاریک مصدوم شد

پیروزی منچستر مقابل آژاکس در تورنمنت چهارجانبه آمستردام و قهرمانی در این تورنمنت برای فرگوسن گران تمام شد. مایکل کاریک هافبک جدید و ۳۵ میلیون دلاری منچستر که به تازگی از تاتنهام به اولدترافورد نقل مکان کرده در جریان بازی مقابل آژاکس مصدوم شد. پزشکان منچستر پیش‌بینی کرده‌اند که کاریک حداقل سه هفته قادر به همراهی منچستر نخواهد بود. به این ترتیب کاریک یکی دو بازی اول منچستر در فصل جدید لیگ برتر انگلیس را از دست خواهد داد.

امیدواری اونیل به تکرار روزهای خوش در آستون ویلا

منجی ویلاپارک

ترجمه : سهیل نوری‌پناه

احتمالاً اگر از یک هوادار آستون‌ویلا بپرسید که از چه کسی بیش از همه نفرت دارد، بی‌درنگ و معطلی پاسخ می‌دهد: «همان پیرمرد مزخرف. منظورم «داگ الیس» است!» در Midlands یعنی یکی از فوتبال‌خیزترین و فوتبالیست‌پرورترین مناطق انگلستان، منطقه‌ای که در آن باشگاه‌های مهمی چون آستون‌ویلا- که سرآمد آنها است و یکی از قدیمی‌ترین‌ها و پرافتخارترین‌ها در این کشور- بیرمنگام‌سیتی و وست‌بروموویچ آلبیون سربرآورده‌اند، اوضاع چندان وضعیت عادی ندارد. شاید این برای ما غریبه‌ها عجیب و شگفت‌انگیز جلوه کند اما برای آن عده هوادار قدیمی ویلا که از سال ۱۹۸۲ و پس از پرواز «ویلا» بر اوج اروپا شادکامی‌شان با ورود مردی چون «الیس» بدل به یاس گشت چندان این شرایط، اوضاع پیچیده و حیرت‌آوری به‌نظر نرسد. پیرمرد ۸۲ساله‌ای که دو برهه توانسته، خود را در بطن قضایا و اتفاقات ویلا قرار دهد. اولی‌اش که بسیار کوتاه‌مدت به نظر می‌رسید در طول سال‌های ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۵ و دومی‌اش نیز پس از... بله پس از دوران شکوه این تیم که در آن عصر توانستند به قهرمانی‌های مهمی در بریتانیا و اروپا دست‌یابند از سال ۱۹۸۲ آغاز شده و تا امروز- البته- ادامه دارد. هر چند در این سه‌چهار سال اخیر که امروز و در این نقطه به اوج خود رسیده، هربار با شیوه‌ای گوناگون، خریداران و علاقه‌مندانی ثروتمند- که آخرینش رندی لرنر آمریکایی است- به ملاقات او رفته‌اند تا به هر نحوی که شده، سهمش را از چنگش به در آورند و بیش از نیمی از مردم بیرمنگام را از «خودبینی» چون او نجات دهند. گفتم «خودبین»؟ بله! خودبین، خودشیفته، خودپرست، منت‌گذار، خودبرتربین و... تمامی از صفاتی است که در Midlands او به آنها شهره است. اینکه خسیس است و حتی از یک پنی‌اش نیز گذر نمی‌کند. او که هنوز در عشق و علاقه‌اش به این باشگاه تردیدها وجود دارد. و این شبهه‌ها از آنجا تبلور می‌یابد که بدانیم او در برهه‌های گوناگون در سه باشگاه دیگر انگلستان- که هر سه از دشمنان قدیمی آستون‌ویلا نیز محسوب می‌شوند- یعنی بیرمنگام، داربی‌کانتی و ولورهمپتون «به عنوان رئیس» عضوی از هیات‌مدیره باشگاه‌ها بوده است.

داستان حکومت او در Midlands خود حکایت شیرینی دارد. می‌گویند او از خانواده‌ای فقیر که مادری بیوه آنها را بزرگ کرده، سربرآورده است. اما در دوران جوانی و به مدد چند سرمایه‌گذاری خطیر و بسیار جسورانه توانست به سودی سرشار دست یابد، تا جایی که در سال ۱۹۹۶ توانست تملک ۴۶ درصد از سهام آستون‌ویلا را از آن خود سازد. همان‌گونه که ذکر شد، دوران ریاست داگلاس الیس- که به داگ مرده شهره است- در دو دوره به وقوع پیوسته و می‌پیوندد. یکی از اواخر دهه ۶۰ آغاز شده و تا اواسط دهه ۷۰ کشیده شد و پس از آن به‌دلایلی نامشخص از ریاست باشگاه اخراج شد و سپس از سال ۸۲بار دیگر به سمت گذشته‌اش رجعت کرد. خیلی‌ها معتقدند آن ۵ سال پرشکوه ویلا که قهرمانی در لیگ دسته اول انگلستان- لازم نیست که بگوییم در آن عصر لیگ برتر معنایی نداشت؟- و نیز قهرمانی در اروپا از دستاوردهای آن دوران بود به مدد نبود مردی لجوج و کج‌رفتار چون او بر مسند قدرت ویلا حاصل شد. دورانی که الیس در ویلا پستی نداشت و حرکت آستون‌ویلا با هدایت ران ساندرس در جایگاه مربی تیم حیرت‌انگیز بود. اما وقتی ویلا خود را در اوج یافت، بی‌درنگ، الیس در سال ۱۹۸۲ بدل به مرد همه‌کاره ویلا شد و از آنجا بود که سقوط «شاهین ویلا» روزبه‌روز معنای حقیقی یافت. پس از آن، سقوط ویلا از لیگ دسته اول انگلستان و خروج نسل ویلای قهرمان در اروپا از این تیم رنگ و بوی حقیقی به خود گرفت... تا امروز که از هواداران باشگاه گرفته و حتی بازیکنان کنونی این تیم- که البته نباید نقش محرکی چون دیوید اولری را نادیده انگاشت و اخراجش نیز در این توطئه دخیل بود- همه و همه او را به مردی «بدون چشم‌انداز، که نه ماجراجوست و نه ترقی‌طلب» تعبیر می‌کنند. در این سال‌ها و پس از متلاشی شدن نسل طلایی «ران ساندرس» نام‌های بزرگ و کوچک فراوانی به بیرمنگام قدم نهادند. از ران اتکینسون- ران گنده- پرآوازه و خبرساز گرفته تا نام‌هایی بسان تامی دوهرتی، ژوزف ونگلوش، برایان لیتل، جان گرگوری، گراهام تایلور و نیز دیوید اولری... در این سال‌ها ۱۲ مربی از زمان سلطه الیس در ویلا در این باشگاه در رفت و آمد بودند و سیزدهمی‌اش نیز به تعبیر «شخص الیس» بهترین شکار و هوشمندانه‌ترین برنامه او در این دو دهه یعنی «مارتین اونیل» بود. مردی که هواداران این تیم برای حضورش در تیم محبوبشان همه کار کردند. مارتین اونیل را همه با سه دوران طلایی به‌یاد می‌آورند. اولی‌اش، در ویکامب، تیمی کوچک بود. دومی‌اش بی‌شک در انگلستان، از حماسی‌ترین عصرها بود. برهه‌ای که او مجموعه معمولی و پایین‌تر از حد متوسط لسترسیتی را در چهار سال هدایتش در این باشگاه قهرمان جام اتحادیه ساخت و هیچ‌گاه فاکس‌ها را از رتبه دهم، پایین‌تر جای نداد. سومی‌اش، برخلاف دومی که دوران بلوغ و تثبیت بود، را می‌توان به عصر افتخار و شکوه اونیل در بریتانیا برشمرد. گرچه، نه در انگلستان که در اسکاتلند و در سلتیک گلاسکو... زمانی که فوتبال اسکاتلند در سلطه کامل رنجرز بود، این اونیل بود که توانست سلتیک را به سه قهرمانی متوالی در لیگ برتر اسکاتلند و سه جام حذفی و یک جام اتحادیه و یک حضور در فینال جام یوفا در این عصر رهنمون سازد. پس بی‌دلیل نبود که هواداران ویلا با همان لباس‌های آبی و شرابی معروفشان، استقبالی بس دیدنی از او کردند و با شعارهایشان او را «منجیویلا» می‌خواندند. اما در این آشفتگی و تشویش می‌توان عقاید داگ الیس را خواند. او که هنوز از دوران ران اتکینسون و تامی دوهرتی به نیکی یاد می‌کند می‌گوید: «در این نزدیک به دو دهه، کسانی به‌جز ران و تامی نتوانستند حضوری به نسبت طولانی در اینجا داشته باشند. اما امیدوارم مارتین اونیل تا ابد برای ویلا یک ناجی باشد.»

مارتین اونیل ۵۴ساله و زاده ایرلند شمالی مرد هشیار و زیرکی است. او که پس از کناره‌گیری‌اش از سلتیک که می‌خواست به اوضاع پریشان همسرش- جرالدین- که به سرطان مبتلا است رسیدگی کند، چیزی نزدیک به ۱۵ ماه بود که سراغ فوتبال نمی‌رفت. اما دیگر نمی‌توانست و نمی‌خواست که به فوتبال فکر نکند. در این مدت او همواره یکی از کاندیداهای احراز سمت مربیگری نیوکاسل یونایتد و میدلزبورو بود و حتی یکی از نام‌های منتخب رسانه‌های این کشور برای حضور در نیمکت تیم ملی انگلستان... مارتین اونیل نیک می‌داند که تجربه چهارمش در تب و تاب و مربیگری با آن زمانی که به سلتیک وارد شده بود متفاوت است. خیلی‌ها، شاید، بگویند که هنگامی که او به اسکاتلند رفت، تا سلتیک را از «کنی دالگلیش» دریافت کند، به سبب حضور بلامنازع رنجرز و شکست‌های همیشگی سلتیک در قهرمانی در برابر آنها، شرایطی بسان امروز آستون‌ویلا که گرفتار بحران و استرس است در آن عصر نیز پابرجا بود. اما خب این دیگر به نظر می‌رسد یک تئوری مبالغه‌آمیز از آن تجربه و شرایط اونیل و سلتیک باشد. موقعیت ویلا در این نقطه، چیزی فراتر از یک بحران است. تیمی که روزگاری به قهرمانی و موفقیت و رقابت با غول‌هایی چون لیورپول، ناتینگهام فارست، لیدز، منچستر یونایتد و آرسنال خو گرفته بود، اکنون همواره در این سال‌ها گذشته خود را در تقلای سقوط نکردن می‌یابد. به همین سبب است که اونیل سعی می‌کند، اوضاع را با خوش‌بینی و امیدواری تشریح کند. «چرا که نه؟ چرا نمی‌توانیم آن دوران پرشکوه ویلا را تکرار کنیم؟ ویلا باشگاه شورانگیزی است. باشگاهی با قدمت قابل توجه که کار کردن و حضور در آن برای هر کسی بسان یک رویا است. هدف من تکرار آن روزهای پرفروغ است. می‌خواهم خود را در تاریخ این باشگاه و در این موفقیتی که البته در آینده تصاحب خواهد شد، سهمی داشته باشم. مارتین اونیل که در ویلاپارک حالا خود را در قامت یک ناجی و یک منجیاز نگاه هواداران این تیم می‌یابد با قراردادی مشروط و یک‌ساله، باید این راه پرپیچ‌وخم را با تیم جدیدش طی کند. مجموعه‌ای که به‌شدت زمین‌گیر شده و اوضاعی بسان یک بیمار دارد که هر آن احتمال مرگش می‌رود. اونیل باید بداند که کار کردن با مردی چون «الیس»- اگر سهامش را به رندی لرنر و یا هر تاجر دیگر نفروشد و شرش را کم نکند!- خود نیازمند هنر و استقامتی مثال‌زدنی است. این را دیوید اولری به خوبی در این سه سال اخیر لمس کرده است. او که دو ماه پیش، ظاهراً در جبهه اپوزیسیون باشگاه، او- که رهبر آن بود- و نیز بازیکنان مهم و شاخص تیم که آن را شکل داده بودند شرکت جسته بودند به جرم چنین جنبشی کارش را از دست داد. اولری همواره در سه عبارت الیس را تعریف می‌کند. «خسیس، بدون ماجراجویی و مال‌پرستی که حساب یک پنی‌اش را نیز می‌کند.» حال باید شکیبا ماند و انتظار کشید که اونیل، سیزدهمین مربی منتخب الیس، تا چه برهه می‌تواند در کنار او به کارش ادامه دهد. شاید الیس در نهایت بتواند سهامش را با ۶۵ میلیون پوندی که خود آن را قیمت‌گذاری کرده بود به رندی لرنر واگذار کند. حال فرض بر این می‌گیریم که هیچ‌گاه چنین اتفاقی رخ ندهد. اونیل باید این نکته را بداند: «او از تامی دوهرتی و ران اتکینسون بزرگ‌تر نیست. حداقل تا به امروز... اما اخراج آن دو برای الیس ساده‌ترین کار بود. و نیز نابود کردن اعتبارشان.»

نکته

مارتین اونیل ۵۴ساله و زاده ایرلند شمالی مرد هشیار و زیرکی است. او که پس از کناره‌گیری‌اش از سلتیک که می‌خواست به اوضاع پریشان همسرش- جرالدین- که به سرطان مبتلا است رسیدگی کند، چیزی نزدیک به ۱۵ ماه بود که سراغ فوتبال نمی‌رفت. اما دیگر نمی‌توانست و نمی‌خواست که به فوتبال فکر نکند. در این مدت او همواره یکی از کاندیداهای احراز سمت مربیگری نیوکاسل و میدلزبورو بود و حتی یکی از نام‌های منتخب رسانه‌های این کشور برای حضور در نیمکت تیم ملی انگلستان.

هولیه: باید مراقب باشیم

لیون بی‌رقیب است اما...

المپیک لیون جمعه شب گذشته در شروع فصل جدید لیگ فوتبال فرانسه نانت را ۱-۳ برد و به کسب ششمین عنوان قهرمانی متوالی‌اش در این پیکارها امیدوارتر شد. هدف برای ژرار هولیه مربی نامدار لیون بسیار روشن است: «فصل پیش ما برای پنجمین بار پیاپی قهرمان لیگ شدیم که یک رکورد تازه برای فرانسه بود. حالا یک حدنصاب جدید پیش‌روی ما است زیرا سابقه نداشته که در هیچ یک از لیگ‌های اصلی و بزرگ اروپا تیمی شش بار پیاپی قهرمان شود. این یک کار بسیار ناب و به تبع آن انگیزه‌ای قوی برای ما خواهد بود.»

■ حاکمیت کامل

لیون از زمان کسب اولین قهرمانی‌اش در لوشامپیونا در فصل ۲۰۰۲-۲۰۰۱ که با مربیگری ژاک سانتینی به دست آمد، این لیگ را قبضه کرده است. با هدایت پل لگوئن این تیم سه بار دیگر قهرمان شد و آنگاه هولیه از اوایل تابستان پیش آمد و قهرمانی پنجم لیون را محکم‌تر و قاطع‌تر از هر زمانی پایه‌گذاری کرد. آنها تا دسامبر یعنی پایان نیم‌فصل اول حتی یک بار هم شکست نخوردند و مجموع امتیازات‌شان در یک فصل به رقم ۸۴ رسید که این هم یک حدنصاب جدید بود. برتری لیون به حدی بودکه سایر تیم‌ها به واقع فقط برای رتبه دومی می‌جنگیدند. با این حال و به‌رغم غلبه بر نانت در شروع فصل ۲۰۰۷-۲۰۰۶ هولیه می‌گوید: «نمی‌دانم که آیا می‌توانیم همان رکوردها و نتایج را تکرار کنیم یا خیر ولی از این مطلعم که تیم من دائماً در حال پیشرفت فنی و ارتقای تاکتیکی است.»

این حرف‌ها دلگرمی اندکی را به سایر تیم‌های حاضر در لیگ دسته اول فرانسه می‌دهد. با این حال نظم و قوام تیمی در ژرلان به حدی است که بسیار بعید به نظر می‌رسد در دراز مدت تیمی حریف لیون شود. آنچه مربی سابق تیم ملی فرانسه و لیورپول به این مجموعه بخشیده عزم راسخ و روحی مستحکم بوده و اینها باعث شده است که اشتیاق لیون برای فتح جام‌ها همان‌قدر زیاد باشد که در گذشته بوده است. «کسب عنوان قهرمانی در لیگی طولانی مثل فرانسه همیشه سخت ولی دشوارتر از آن، تکرار آن مقام است، زیرا به محض پیروزی، حریفان به سراغ شما می‌آیند. و خواست همه‌شان این است که شما را بزنند. نیل به ششمین قهرمانی دشوارترین و مهم‌ترین کاری است که فراروی خود دیده‌ایم و اگر روزی به سمت هفتمین عنوان خیز برداریم، از این هم دشوارتر خواهد بود.» با این حال به دلیل فاصله زیاد فنی بین لیون و رقبایش بعید است که آنها به یاران جونینیو و مالودا برسند و هولیه خوب می‌داند که بلا و آفت اصلی برای تیمش غرور و سهل‌انگاری خواهد بود. باز به حرف‌های هولیه رجعت می‌کنیم. «یکی از وظایف اصلی من جلوگیری از غرور و رویاپردازی نزد شاگردانم است. اگر بازیکنی بیش از حد به خود مطمئن باشد، می‌توانید او را از زمین بیرون بکشید و اگر باز اصلاح نشود، چاره‌ای جز فروش و واگذاری او نمی‌ماند. با این حال خوش‌اقبالی من در ژرلان این است که نفراتی را در اختیار دارم که جملگی پرشور و تشنه کسب افتخاراتی جدید هستند و مغرور نمی‌شوند.» تیم‌های هولیه معمولاً سختکوش‌اند و به دشواری می‌توان بر آنها غلبه کرد. این روال و روند کار او از شروع کار مربیگری‌اش بوده است. او کارش را از باشگاه آماتوری نولومینه شروع کرد و از آنجا به پاری سن‌ژرمن رفت و این تیم را در سال ۱۹۸۶ قهرمان لیگ فرانسه ساخت و در لیورپول نیز این تیم انگلیسی را فاتح جام‌های حذفی و اتحادیه کشورش، جام یوفا و سوپرجام اروپا کرد. او در تمامی این تیم‌ها بالاترین استانداردها و قواعد را از شاگردانش طلبیده است.

او در لیون تیمی عالی را از دوره کار لگوئن به ودیعت گرفت و سعی در حفظ آن کرده است. تغییرات پرسنلی لیون طی فصل گذشته به حداقل می‌رسید ولی سبک و روش کار تیم به وضوح بهتر شده است. بازی روان اما محافظه‌کارانه ایام لگوئن که مبتنی بر دفاع و ضدحملاتی تیز بود، جایش را به نظم و روال محکم‌تر عصر هولیه داده است و تکیه و هدف تیم نیز بازی کنترلی و رو به جلو از آغاز تا پایان وقت است.

■ تداوم و استمرار

یک باردیگر تغییرات در ژرلان در کمترین اندازه بوده است. در حالی که پاری سن‌ژرمن، المپیک مارسی و موناکو طی تعطیلات تابستانی تغییرات زیادی را در ترکیب خود دادند، لیون با مشکل و سیمایی بسیار شبیه به گذشته به میدان بازگشته است. باز به حرف‌های هولیه باز می‌گردیم. «بزرگترین حسن لیون تداوم و استمرار آن بوده است و این را نزد تمام قهرمانان مشابه با ما می‌توان یافت، وقتی بازیگرانی مثل گریگوری، کوپه، کلودیو کاساپا، جونینیو پرنام بوکانو وسیدنی گوو را می‌بینید که در تمامی پنج قهرمانی ما شریک بوده‌اند، پی به این مسئله می‌برید. اینجا است که درمی‌یابید استخوان‌بندی تیم ما محفوظ مانده است.» فصل پیش در همین موقع لیون یکی از ذخایر خود را که همانا مایکل اسین غنایی بود به چلسی فروخت و به واقع وسوسه پول کلانی شد که تیم لندنی برای تصاحب این هافبک سرسخت می‌پرداخت. با این حال در تابستان جاری لیون تا به حال ستاره‌ای را از دست نداده است و حتی «محمدو دیارا» هافبک وسط قدرتی این تیم و جانشین اسین نیز به‌رغم هجوم شدید متقاضیانش به سمت وی تا به حال ماندنی شده است. هولیه می‌گوید: «اولویت نخست کار ما حفظ ترکیب تیم و تلاش برای از دست ندادن نفرات‌مان است. اضافه بر این سعی داشته‌ایم که تیم را در نقاط و خطوطی که مشکل داشته، تقویت و هماهنگ و صاحب توازن سازیم.»

■ بهترین ترکیب

یکی از مناطقی که هولیه آن را تقویت کرده خط میانی است. در این خط هم سروکله هافبک بازی‌ساز سوئدی کیم کالستروم پیدا شده و هم جرمی تولالان که بازیکن تیم ملی امید فرانسه است، به جمع نفرات لیون اضافه شده است. سباستین اسکیلاچی مدافع ملی‌پوش فرانسه نیز به جمع نفرات این باشگاه پیوسته است. بر این اساس می‌توان گفت که لیون شاید بهترین ترکیب را در میان تمام باشگاه‌های فرانسوی طی سال‌های اخیر به خود اختصاص داده باشد. باور و فرض هولیه این است که چنین تیمی می‌تواند چه در عرصه‌های داخلی و چه در زمینه‌های خارجی یکه تازی کند و کم نیاورد. لیون فصل پیش برای سومین سال متوالی به مرحله یک‌چهارم نهایی جام قهرمانی باشگاه‌های اروپا رسید اما در این مرحله با گل‌های بسیار دیرهنگامی که از میلان خورد تسلیم این حریف نامدار ایتالیایی شد و یک بار دیگر نتوانست از مرز یک‌چهارم عبور کند.

■ واقع‌بینی

لیون که دچار مشکل مصدومیت بازیکنان خود نیز شده بود، هفته بعد از آن در جام حذفی فرانسه هم به دست مارسی حذف و ناکام شد. هولیه می‌گوید: «اگر دو هافبک جدید گرفته‌ام، به سبب اتفاقاتی است که فصل پیش افتاد. سال پیش که جونینیو و تیاگو در مسابقات رفت و برگشت در برابر میلان در میدان غایب بودند، ما کم آوردیم. خط میانی جایی است که ما باید در آن نفر و سرمایه و نیرو زیاد داشته باشیم و در غیر این صورت اتفاقات فصل پیش تکرار خواهد شد.» با این حال از همه مهم‌تر هوشیاری هولیه و واقع‌بینی وی است، زیرا می‌گوید: «ما باید با هر حریفی به گونه‌ای روبه‌رو شویم که انگار یکی از رقبای ما در جام قهرمانان قاره است. حریفان ما واقعاً قوی شده‌اند. باید مراقب باشیم.» با نظارت و طراحی هولیه امکان شکل‌گیری مسئله فوق قریب به یقین نشان می‌دهد.

گزارش

روزهای سرنوشت‌ساز برای رونالدو

اولین رویارویی با کاپلو

ترجمه : سید محمد حسینی

آنتونیو سانچز- خبرنگار اسپورت در مادرید: عملاً یک ماه است که کاپلو سکان رهبری رئال مادرید را در دست گرفته و در تمام این مدت هنوز با رونالدو رودررو نشده است. این ملاقات تابستانی که خیلی‌ها منتظر آن بودند امروز اتفاق می‌افتد؛ روزی که تصمیم‌گیری در مورد آینده این مهاجم برزیلی شروع خواهد شد... چنانچه سرمربی ایتالیایی رئال قبلاً تصمیمی در این مورد نگرفته باشد.

سرمربی مادرید خیلی از دست این بازیکن خود شکار است و این را از تنها اظهارنظرش در مورد او می‌توان فهمید: «او را فقط از طریق تلویزیون می‌شناسم.» کاپلو منتظر این روز بود تا سنگ‌های خود را با این برزیلی وا بکند، البته او شکی به توانایی‌های رونالدو ندارد و معتقد است وی می‌تواند چنانچه آمادگی برای تلاش و تمرین از خود نشان بدهد، نتایج متفاوتی (درخشانی) را رقم بزند.

برای شروع، دلایل رونالدو باید در مورد وقایع بعد از پایان جام جهانی خیلی محکم و قانع‌کننده باشد چرا که کاپلو به هیچ‌وجه مایل نیست این نوک حمله با نادیده گرفتن توصیه‌های تیم پزشکی باشگاه، در سپردن خود به تیغ جراحان تاخیر کند و نیز تعطیلاتش را بیشتر کش بدهد، همچنین راغب نیست که او سرزده و بدون اطلاع قبلی به باشگاه بیاید. منابع نزدیک به کاپلو می‌گویند که او دوست داشت رونالدو برای ادای توضیحات قانع‌کننده به سالن تمرکزگیری اردینگ رفته و خود را در اختیار دیسیپلین تیم قرار دهد. یک شروع بد.

با این وجود و به خصوص با مشکلاتی که رامون کالدرون، مدیر باشگاه و مدیر ورزشی‌اش میاتوویچ در مشخص کردن خریدهای جدید باشگاه با حداقل میزان کارایی مطلوب دارند، کاپلو آماده است حرف‌های رونالدو را بشنود و نیز یقیناً چنانچه رونالدو مثل سایرین در تمرینات شرکت نجوید، در خروج را نشانش خواهد داد. در ابتدای کار، دن (لقبی همانندSir در انگلستان) فابیو از او فیزیکی در سطح این بازیکن بین‌المللی طراز اول خواهد خواست. بعد از پایان جام جهانی، رونالدو با همان اضافه وزن این مسابقات به مادرید آمد و سرمربی این را تحمل نمی‌کند. او رونالدو را با حداکثر بازدهی می‌خواهد والا به درد نمی‌خورد. چنانچه رونالدو نتواند این خواسته را برآورده کند، کاپلو از کالدرون و میاتوویچ خواهد خواست او را در معرض فروش قرار داده و در فکر جایگزینی برایش باشند. سرمربی رئال مادرید از بازیکنانش می‌خواهد چه درون و چه بیرون زمین، رفتاری حرفه‌ای داشته باشند چراکه در بازده کارشان موثر است. این اواخر شهرت رونالدو بیشتر به خاطر زندگی شبانه‌اش بوده تا فوتبالش و کاپلو قول رونالدو را برای بازگشت به شرایط مطلوب می‌خواهد و قصد دارد زندگی بی‌سروسامان شبانه او را با فداکاری و دیسیپلین تاکتیکی جایگزین کند.

حاشیه

اسکوربورد

لوشامپیونا، هفته اول:
اوسر ۱- والنسین۱، نانسی ۱- موناکو
صفر، بوردو ۲- تولوز صفر، لومان ۱- نیس
صفر، پاری سن‌ژرمن ۲- لوریان ۳، لانس ۱- تروآ
صفر، سن‌اتی‌ین ۱- سوشو ۲، رن ۱- لیل ۲

شکست چلسی مقابل ستارگان MLS

چلسی در اولین بازی تدارکاتی خود برای فصل جدید مقابل تیم منتخب ستارگان MLS (لیگ فوتبال آمریکا) شکست خورد. دواین دروسارریو مهاجم ملی‌پوش کانادایی در دقیقه ۷۰ از فاصله‌ای ۱۸ متری دروازه هیلاریو دروازه‌بان ذخیره چلسی را باز کرد. با این بازی کمپ تدارکاتی چلسی در لس‌آنجلس پایان یافت. این تیم یک هفته‌ای بود که در لس‌آنجلس اردوی تدارکاتی تشکیل داده بود. در جریان یک دیدار جو کول هافبک ملی‌پوش چلسی دقایقی پس از ورود به زمین مصدوم شد و زمین را ترک کرد. ژوزه مورینیو مربی چلسی پس از این شکست گفت: «تیمی که شرایط بهتری داشت پیروز شد. آنها سریع‌تر بازی می‌کردند و آماده‌تر بودند. ما بسیار کند و خسته بازی می‌کردیم و دلیل آن هم تمرینات فشرده‌ای بود که پشت سر گذاشته بودیم. لمپارد، جان تری، اسین و جرمی بازیکنانی بودند که ۹۰ دقیقه در ترکیب چلسی بازی کردند.

برمن قهرمان جام اتحادیه

بایرن مونیخ قهرمان بوندس‌لیگا برای اولین بار در تاریخ باشگاه در فینال جام اتحادیه آلمان شکست خورد. شنبه‌شب دو تیم بایرن و وردربرمن در فینال جام اتحادیه آلمان مقابل هم قرار گرفتند که وردربرمن موفق شد با دو گل ایوان کلاسنیچ بایرن را شکست دهد تا قهرمان جام اتحادیه آلمان شود.